



وام‌گیری صرفی زبان اویغوری از زبان فارسی

احمدرضا آریان^{۱*}
عادل رفیعی^۲

مقاله پژوهشی

چکیده

مقاله حاضر به بررسی وام‌گیری نظام صرفی فارسی از سوی زبان اویغوری می‌پردازد. برای این منظور ده‌وند اشتقاقی زبانی زبان فارسی انتخاب شدند و واژه‌های مشتق از آنها در زبان اویغوری استخراج شد. با استفاده از معیار گاردانی (۲۰۱۸) در تمییز وام‌گیری صرفی از وام‌گیری واژگانی، واژه‌های استخراج شده در چهار مقوله دسته‌بندی شدند. مقوله‌های اول و دوم شامل واژه‌هایی هستند که در هر دو زبان وجود دارند و لذا حاصل وام‌گیری واژگانی در نظر گرفته می‌شود. مقوله سوم شامل واژه‌هایی می‌شود که با این که پایه‌هایشان فارسی است اما واژه مشتق جزو واژگان فارسی نیست. واژه‌های مقوله چهارم پایه‌های غیرفارسی دارند. طبق معیار به کار رفته، واژه‌هایی متعلق به دو مقوله سوم و چهارم نشان از وام‌گیری صرفی دارند. با تحلیل داده‌ها مشخص می‌شود که وام‌گیری صرفی از نوع اشتقاقی از زبان فارسی در اویغوری بسیار رایج است، به طوری که از ده‌وند مورد بررسی همه در تولید واژه‌هایی با پایه‌های فارسی نقش دارند. در این میان دو پسوند «-گر» و «-دان» با افزوده شدن به پایه‌های اویغوری قوی‌ترین شواهد را به دست می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: وام‌گیری صرفی، اشتقاق، زبان اویغوری، تماس زبانی.

✉ a.aryan@fgn.ui.ac.ir

✉ a.rafieei@fgn.ui.ac.ir

۱- عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات چینی دانشگاه اصفهان

۲- عضو هیأت علمی گروه زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان

۱- مقدمه

وام‌گیری زبانی (linguistic borrowing) رایج‌ترین رخداد در برخورد زبانی (language contact) است. وام‌گیری زبانی - با توجه به میزان ارتباط دو زبان - می‌تواند در سطوح مختلفی رخ دهد. بر طبق مقیاس‌های وام‌پذیری (borrowability index)، واحدهای واژگانی در اولین سطح وام‌پذیری قرار دارند و می‌توانند به راحتی و در تعداد زیادی وام داده/گرفته شوند. برخلاف وام‌گیری واژگانی (lexical borrowing)، وام‌گیری سازه‌های صرفی (morphological formatives) و به‌ویژه الگوهای صرفی انتزاعی (morphological patterns) پدیده‌های نادری محسوب می‌شوند. وام‌گیری در این سطوح در گرو تفوق بلندمدت زبان مبدأ (source language) و ورود تعداد قابل‌توجهی عناصر واژگانی به زبان پذیرنده (recipient language) است.

زبان فارسی به لحاظ تاریخی بر روی زبان‌های بسیاری تأثیر گذاشته است. از میان زبان‌هایی که وام‌واژه‌های فارسی نسبتاً فراوانی در آن به چشم می‌خورد می‌توان به زبان اویغوری اشاره کرد. در طول تاریخ واژه‌های بسیاری از فارسی وارد اویغوری شده است. موضوع وام‌واژه‌های فارسی در اویغوری توسط برخی پژوهشگران ایرانی و چینی مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته است. بدیعی (۱۳۷۷) مجموعه‌ای از وام‌واژه‌های فارسی در اویغوری را تدوین نموده است. بازدیدهای میدانی متناوب پژوهشگر از ایالت شین جیانگ چین - محل سکونت اکثر قریب به اتفاق قوم اویغور می‌باشد - جهت گردآوری منابع و مراجع پژوهش مورد نظر و طبقه‌بندی موضوعی وام‌واژه‌های فارسی در اویغوری از نقاط قوت این اثر می‌باشد. چندین پژوهشگر چینی اویغور تبار نیز به بررسی و مطالعه وام‌واژه‌های فارسی در اویغوری پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه رحمان (۲۰۰۲) در مقاله «تأثیرات زبان فارسی بر واژگان اویغوری» بر این نکته تأکید نموده که فراوانی وام‌واژه‌های فارسی موجود در اویغوری بر غنای زبان مقصد افزوده است. کریم (۲۰۰۸) در مقاله «نگاهی بر تاریخ روابط فرهنگی ایران و اویغور با تکیه بر آثار ترجمه شده» از زاویه دید تبادلات ادبی این دو زبان نکات تازه‌ای از تاریخ این روابط به روی دیده خوانندگان می‌گشاید. اموتی (۲۰۰۹) نیز در مقاله خود به تغییرات آوایی وام‌واژه‌های فارسی در اویغوری پرداخته است.

پژوهش‌هایی که تا به حال در این موضوع انجام شده‌اند به توصیف وام‌گیری واژگانی بسنده کرده‌اند. پژوهش پیش‌رو برای اولین بار به وام‌گیری قواعد صرفی و به‌طور مشخص قواعد اشتقاقی زبان فارسی در زبان اویغوری می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش می‌تواند علاوه بر کمک به توصیف الگوهای وام‌گیری، در شناخت بیشتر جنبه‌های نظام صرفی فارسی و آرایه نظریه‌های صرفی کارایی داشته باشد. برای انجام پژوهش حاضر چهارچوب نظری گاردانی (۲۰۱۸) مورد استفاده قرار گرفته است. مرجع اصلی داده‌های مورد استفاده در این پژوهش «فرهنگ لغت بزرگ اویغوری-چینی» است. دو علت نویسندگان را بر آن داشت تا از این مرجع به‌عنوان منبع اصلی استفاده نمایند. اول جامعیت این اثر با وجود بیش از یکصد هزار مدخل و دوم توضیح کامل معانی واژه‌ها و اصطلاحات به زبان چینی است. از «فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان اویغوری چین» و رساله «وام واژه‌های روزمره فارسی در اویغوری» نیز به‌عنوان منابع کمکی استفاده شده است. همچنین برای بررسی

این که یک صورت خاص جزو واژگان موجود زبان فارسی - در گذشته و حال - است یا صرفاً یک واژه ممکن می‌باشد، از وسایط واژه‌یاب^۱ و نیز فرهنگ بزرگ انوری (۱۳۸۱) استفاده شده است. نوشته حاضر از پنج بخش تشکیل شده است. پس از بخش مقدمه که شامل بیان مسأله و نگاهی به پیشینه پژوهش است، در بخش دوم به معرفی زبان اویغوری و ارتباط تاریخی آن با زبان فارسی خواهیم پرداخت. در بخش سوم برخی ملاحظات نظری در خصوص وام‌گیری صرفی به دست داده خواهد شد. آنگاه در فصل چهارم به توصیف و دسته‌بندی وام‌واژه‌های فارسی در اویغوری خواهیم پرداخت. فصل پایانی نیز به نتیجه‌گیری و جمع‌بندی مباحث انجام شده اختصاص دارد.

۲- زبان اویغوری و ارتباط تاریخی آن با زبان فارسی

اویغوری عضوی از شاخه زبان‌های ترکی و زبان قوم اویغور است که در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود ساکن ترکستان (منتهی‌الیه شمال غربی چین کنونی و به عبارت دقیق‌تر ایالت خودمختار شین جیانگ^۲) بوده‌اند. عبور جاده ابریشم از منطقه ترکستان سبب شده اقوام گوناگون - از جمله ایرانی - در آنجا سکنی گزیده و هم‌زیستی مسالمت‌آمیزی با اویغورها داشته باشند. طبیعی است این امر باعث گشته شمار زیادی واژه‌های غیراویغوری وارد این زبان گردد. از آن گذشته، زبان و فرهنگ اویغورها به دلایل تاریخی و جغرافیایی متعددی به شدت از زبان فارسی متأثر شده است. پس از گسترش اسلام، ایران همواره مرکز فلسفه اسلامی در طول تاریخ بوده است و بسیاری از بزرگان فلسفه اسلامی آثار خود را به فارسی نگاشته‌اند و از این‌رو آثار فلسفی و ادبی فارسی بر سیر فرهنگی ترکان آسیای مرکزی از جمله اویغورها تأثیر چشمگیری گذاشته است. تا دوران معاصر، یادگیری عربی و فارسی شرط اصلی آموزش کتب مقدس اسلامی این قوم بوده است. همچنین همسایگی جغرافیایی این قوم با خراسان بزرگ در مرزهای شرقی ایران عامل بسیار مؤثری در وام‌گیری از زبان فارسی است. با این توصیف، فرهنگ ایرانی و زبان و ادبیات فارسی تأثیر زیادی بر فرهنگ و زبان و ادبیات اویغوری داشته است و به تبع آن وام واژه‌های فارسی بسیاری - در کنار وام‌واژه‌های عربی - وارد اویغوری شده است. با توجه به این که فرهنگ ایرانی در طول تاریخ - شامل اندیشه‌های مانوی، زرتشتی، مسیحیت نسطوری و فرهنگ اسلامی - از ایران به چین وارد شده است، تأثیر عمیق زبان فارسی بر زبان اویغور قابل درک است. از نظر تأثیرات مذهبی ایران بر اویغورها، مطالعات روی کتیبه‌های اویغور و سایر متون تاریخی نشان می‌دهد که در اوایل قرن ششم برخی از نیاکان اویغور آیین زرتشتی را از ایرانیان پذیرفته‌اند؛ در آغاز قرن هشتم میلادی دین مانوی در شمال غرب چین کنونی توسط سغدی‌ها گسترش یافت و بعداً به دین رسمی اویغورها تبدیل شد؛ نستوری نیز در سال ۶۳۵ بعد از میلاد از ایران وارد چین شد و بعداً در میان اویغورها نیز گسترش یافت. در اواسط قرن دهم میلادی، اویغورها اسلام را از طریق ایرانیان پذیرفتند. از قرن چهاردهم تا بیستم میلادی، ادبیات کلاسیک اویغوری در واژگان، نحو و سبک به شدت تحت تأثیر ادبیات فارسی و زبان فارسی بوده است (بدیعی، ۱۳۷۷). در آن زمان،

1. <https://www.vajehyab.com/>

2. 新疆 Xin Jiang

اویغورها و سایر ملیت‌های ترک زبان، عمدتاً به زبان فارسی مسلط بوده و بسیاری از اهل ادب آثار خود را به فارسی می‌نگاشتند. از این روی واژه‌های فارسی به فراوانی در این زبان وارد شد و بیشتر این وام واژه‌ها تاکنون مورد استفاده قرار گرفته است. اگر چه وام واژه‌های فارسی در اویغور باستان نیز رایج بوده و بر متون اویغوری تأثیر گذارده، اما همچنان از واژه‌های خاص اویغور متمایز است. وام‌واژه‌های فارسی در زبان اویغوری دو ویژگی خاص دارند. اول این که از نظر تعداد با وام واژه‌های چینی، روسی و عربی وارد شده به اویغوری قابل مقایسه نبوده و تعداد آن بی‌شمار است. دومین ویژگی قدمت و سابقه تاریخی ورود واژه‌های فارسی در زبان اویغوری است، بدین گونه که حتی برخی از وام واژه‌ها در کتیبه‌ها و اسناد اویغوری قبل از معرفی اسلام به آنان وجود داشته است (بدیعی، ۱۳۷۷).

۳- وام‌گیری صرفی

در مطالعات انجام شده بر روی برخورد زبانی این ادعا همواره مطرح بوده که انتقال عناصر واژگانی از زبانی به زبان دیگر بسیار رایج است به طوری که وام‌گیری واژگانی حتی زمانی که دوزبانگی اجتماعی (social bilingualism) وجود ندارد - مثل وضعیت کنونی زبان‌های فارسی و انگلیسی - به راحتی رخ می‌دهد. در مقابل، وام‌گیری صرفی - شامل وام‌گیری سازه‌های صرفی و به‌ویژه الگوهای صرفی انتزاعی - پدیده‌های چندان رایجی نیستند. در این میان وام‌گیری الگوهای صرفی انتزاعی نظیر الگوهای واژه‌سازی تکرار، ترکیب و جز آن به ندرت رخ می‌دهند و صرفاً در جوامعی که دوزبانگی قوی در آنها حاکم است احتمال وقوع وجود دارد. تحقیقات انجام شده بر روی میزان رایج بودن وام‌گیری واحدهای مختلف زبانی منجر به آرایه مقیاس‌های وام‌پذیری شده است. مقیاس‌های وام‌پذیری علاوه بر توصیف شیوه وام‌گیری زبانی، در تدوین نظریه‌های صرفی نیز دارای اهمیت روزافزون هستند، چرا که درجات مختلف وام‌پذیری تمایزات ظریف بین زیربخش‌های صرفی را بازتاب می‌دهد. با این توصیف در مطالعات اخیر برخورد زبانی به‌عنوان منشا شواهدی برای نظریه‌های صرفی در نظر گرفته می‌شود (گاردانی، ۲۰۱۸).

از نظر گاردانی (۲۰۱۸) وام‌گیری صرفی را می‌توان به دو نوع عمده وام‌گیری سازه‌های صرفی و وام‌گیری الگوهای صرفی تقسیم کرد. در مورد اول برخی سازه‌های صرفی - نظیر وند (affix)، وندواره (affixoid)، واژه‌بست (clitics)، ستاک‌هایی (stem) که در ترکیب با سایر عناصر جایگاه و نقش و معنای ثابتی دارند و جز آن از زبانی وام گرفته می‌شوند و در زبان مقصد همان نقش یا نقشی مشابه را بر عهده می‌گیرند. به‌عنوان نمونه‌ای از این نوع وام‌گیری می‌توان به وام‌گیری پسوند «-یت» از زبان عربی در فارسی اشاره کرد. در زبان فارسی واژه‌های متعددی وجود دارند که از این وند مشتق شده‌اند، به‌عنوان نمونه «حریت» و جز آن. اگر ما صرفاً شاهد این گونه از واژه‌هایی می‌بودیم که عیناً در زبان مبدأ نیز وجود دارند، می‌توانستیم مدعی شویم که این واژه‌ها به‌صورت یک کل وارد زبان فارسی شده‌اند نه این که سازه «-یت» به‌عنوان یک سازه صرفی وام

گرفته شده باشد. اما وجود واژه‌هایی مثل «خوبیت»، «منیت» و «دوییت»^۱ شاهدهی بر این ادعاست که علاوه بر واژه‌های مختوم به این پسوند، این تکواژ دستوری نیز به‌عنوان یک سازه صرفی در زبان مقصد عمل می‌کند و می‌توان به کمک آن واژه‌های جدیدی ساخت. معیار عملکرد بر روی پایه‌های بومی زبان مقصد و حتی ساخت واژه‌های جدید با پایه غیربومی اما ناموجود در زبان مبدأ، به ترتیب مهم‌ترین معیار در تمییز وام‌گیری صرفی از وام‌گیری واژگانی است.

بر اساس مقیاس‌های وام‌پذیری، وام‌گیری صرفی به‌طور کل یک پدیده کم‌رخداد در برخورد‌های زبانی تلقی می‌شود و تنها پس از وام‌گیری گسترده واژگانی امکان وقوع می‌یابد. در این میان باید متذکر شد علاوه بر این که وام‌گیری سازه نسبت به وام‌گیری الگو رایج‌تر است، سازه‌ها بر اساس نقشی که بر عهده دارند نیز از میزان وام‌پذیری متفاوتی برخوردارند. بائر (۲۰۰۴) به برخی تمایزات صرفی اشاره می‌کند و بر آن اساس میزان وام‌پذیری سازه‌ها را پیش‌بینی می‌کند. براساس پیش‌بینی وی، سازه‌های صرفی (inflectional morphology) نسبت به صرف واژه‌ساز (lexeme-formation morphology) از وام‌پذیری پایین‌تری برخوردارند. اما تمامی سازه‌های صرفی و واژه‌ساز نیز از این نظر یکسان نیستند. در میان سازه‌های صرفی، سازه‌های بافتی (contextual) - به‌عنوان نمونه سازه‌های ناظر بر حالت (case) -، به نسبت سازه‌های ذاتی (inherental) - به‌عنوان نمونه وندهای ناظر بر مفاهیم شخص و شمار - از وام‌پذیری پایین‌تری برخوردارند. از نظر بائر (۲۰۰۴) در صرف واژه‌ساز نیز سازه‌های بسط‌دهنده واژگان بیشتر در معرض وام‌گیری قرار می‌گیرند تا سازه‌های ارزش‌مدار (evaluative) مثل سازه‌های کوچک‌ساز (diminutives) و بزرگ‌ساز (augmentatives). در میان سازه‌های بسط‌دهنده واژگان نیز سازه‌های اسم عامل‌ساز (agent nouns) از اقبال بیشتری برای وام‌گیری برخوردارند.

۴- وام‌گیری اشتقاقی اویغوری از فارسی

در این بخش براساس تحلیل داده‌های استخراج شده شواهدی از وام‌گیری صرفی زبان اویغوری از فرایندهای اشتقاقی زبان فارسی^۲ به دست خواهیم داد. همان‌گونه که در بالا اشاره شد وام‌گیری صرفی زمانی ممکن است رخ دهد که در یک جامعه یا شاهد دوزبانگی قوی باشیم به‌طوری که تعداد گویشوران دو زبانه اکثریت جامعه زبانی را تشکیل دهند، یا این که علی‌رغم نبود دوزبانگی قوی، به دلایل مختلف مثل تفوق فرهنگی، اقتصادی یا علمی واژه‌های بسیار زیادی از زبان مبدأ قرض گرفته شود. با ورود تعداد بالای واژه‌های غیربسیط با ساخت‌های تکرار شونده، به تدریج گویشوران زبان مقصد به ساخت زیرین گروه واژه‌ها پی‌می‌برند و سازه صرفی

۱. در فرهنگ دهخدا به‌عنوان معادلی برای «ثنویت» آمده است.

۲. ذکر این نکته در اینجا ضروری است که همواره علاوه بر قرض‌گیری مستقیم، احتمال قرض‌گیری غیرمستقیم نیز وجود دارد. با توجه به خویشاوندی زبان اویغوری با زبان ترکی، این احتمال وجود دارد که برخی از این واژه‌ها به‌واسطه زبان ترکی به زبان اویغوری وارد شده باشند.

را تشخیص می‌دهند. در چنین شرایطی آنها ممکن است به کمک سازه صرفی بازشناخته شده قرضی دست به واژه‌سازی جدید بر روی پایه‌های بومی زبانشان بزنند.

بر اساس معیار گاردانی (۲۰۱۸) می‌توان به لحاظ نظری چهار سطح را برای واژه‌های مشتق از وندهای فارسی در اویغوری قایل شد:

یک) وام‌واژه در هر دو زبان مبدا و مقصد در یک معنی یکسان وجود دارد. در چنین وضعیتی فرض را بر وام‌گیری واژگانی می‌گذاریم. به‌عنوان نمونه می‌توان به واژه «گلدان» اشاره کرد.

دو) وام‌واژه در هر دو زبان مبدا و مقصد وجود دارد اما در دو معنی متفاوت به کار می‌رود. در این وضعیت نیز احتمال وام‌گیری صرفی بسیار پایین است. با توجه به این‌که واژه در زبان مقصد معمولاً در معنایی متفاوت اما مرتبط با معنی واژه در زبان مبدا به کار می‌رود، پذیرفتنی‌تر این است که این موارد را نمونه‌هایی از وام‌گیری در سطح واژه بدانیم با این توضیح که هر وام‌واژه‌ای ممکن است در گذر زمان دچار تحول معنایی شده باشد. به عبارت دیگر واژه پس از قرض‌گیری می‌تواند مسیر واژگانی‌شدگی مجزایی را طی کند. به‌عنوان نمونه می‌توان به واژه «هم‌جهت» اشاره کرد که در اویغوری به معنی «همکار» است.

سه) پایه واژه مورد بررسی یک واژه فارسی است اما واژه مشتق جزو فهرست واژگان زبان فارسی نیست. در چنین مواردی می‌توان مدعی شد که تحت عملکرد وام‌گیری صرفی، قاعده واژه‌سازی وام گرفته شده است و گویشوران براساس آن دست به واژه‌سازی زده‌اند. می‌دانیم که معمولاً وندهای غیربومی تحت تأثیر محدودیت‌های لایه‌ای رایج در وندافزایی، پایه‌هایی با منشأ یکسان را ترجیح می‌دهند. به‌عنوان مثالی برای این سطح از وام‌گیری می‌توان به واژه «دعواگر» به معنی «شاک‌حقوقی» در اویغوری اشاره کرد. این واژه جزو واژه‌های موجود زبان فارسی نیست.

چهار) پایه واژه مشتق از وند از زبان مقصد است. در چنین مواردی با یقین بیشتری می‌توان مدعی شد که وام‌گیری صرفی رخ داده است. از جمله این واژه‌ها می‌توان به «یاغدان» به معنی «ظرف روغن» در اویغوری اشاره کرد. پایه این واژه «یاغ»- یک واژه ترکی/اویغوری و به معنی «روغن» است.

در نوشته حاضر چنانچه در واژه‌های مشتق از وند فارسی در اویغوری، شاهد وضعیت یک و دو باشیم، آن را وام‌گیری واژگانی در نظر می‌گیریم اما چنانچه وضعیت سه و مخصوصاً چهار حاکم باشد، با نمونه‌هایی از وام‌گیری صرفی روبه‌رو هستیم.

در ادامه به بررسی واژه‌های مشتق از وندهای اشتقاقی فارسی در زبان اویغوری می‌پردازیم. برای این منظور از میان وندهای زبان فارسی تعداد ۳ پیشوند و ۷ پسوند زایا و بسیار پرکاربرد انتخاب شدند. در انتخاب این وندها سعی شد تنوع نقشی آنها مدنظر قرار گیرد، به‌طوری‌که سه پیشوند انتخاب شده «بی-»، «نا-»، و «هم-» به ترتیب به سه گروه وندهای سلبی‌ساز (privative affixes)، منفی‌ساز (negative affixes) و کمی‌ساز (quantitative affixes) تعلق دارند. در مورد پسوندهای انتخاب شده نیز سه پسوند «-گر»، «-بان»، و «-مند» به گروه وندهای اسم‌شخص‌ساز (personal affixes)، سه پسوند «-دان»، «-ستان»، و «-زار» به گروه وندهای مکان‌ساز (locative affixes)، و پسوند «-انه» به گروه وندهای انتقالی

۴-۱- اشتقاقی (transpositional affixes) تعلق دارند. داده‌های پژوهش حاضر از «فرهنگ لغت بزرگ اویغوری- چینی» استخراج شده است. در ادامه به ترتیب به بررسی واژه‌های مشتق از پیشوندها و پسوندهای زبان فارسی در اویغوری می‌پردازیم.

۴-۱- پیشوندهای اشتقاقی

پیشوندهای اشتقاقی مورد بررسی در پژوهش حاضر عبارتند از «بی-»، «نا-» و «هم-». در ادامه به طبقه‌بندی و توصیف واژه‌های مشتق از این وندها در زبان اویغوری می‌پردازیم.

۴-۱-۱- واژه‌های مشتق از «بی-»

در میان داده‌های استخراج شده، تعداد ۱۶ واژه مشتق از پیشوند «بی-» به چشم می‌خورد:

جدول ۱: واژه‌های مشتق از پیشوند «بی-» در زبان اویغوری

شماره	واژه اویغوری	آوانویسی	معنی	توضیحات
۱	بی‌طهره‌پ	/be:tarap/	بی‌طرف	
۲	بی‌خه‌طر	/be:xatar/	بی‌خطر	
۳	بی‌خه‌وهر	/be:xavar/	بی‌خبر	
۴	بی‌مانهن	/be:mānan/	بی‌مانند	
۵	بی‌هورمه‌ت	/be:hürmat/	بی‌حرمت	
۶	بی‌آرام	/be:ʔārām/	ناآرام	
۷	بی‌پایان	/be:pāyān/	به معنای وسیع	
۸	بی‌کار	/be:kār/	بیهوده	
۹	بی‌گومان	/be:gümān/	قابل اعتماد	کسی که در مورد او گمان بد وجود ندارد
۱۰	بی‌ناماز	/be:nāmāz/	بی‌نماز	
۱۱	بی‌خود	/be:xud/	ناخودآگاه یا بی‌توجه	
۱۲	بیدانه	/be:dāna/	بدون هسته	بیشتر در مورد انگور به کار می‌رود
۱۳	بی‌زار	/be:zār/	آزرده	
۱۴	بی‌سه‌رمجان	/be:saramdžān/	بی‌سرانجام	
۱۵	بی‌غه‌ره‌ز	/be:garaz/	بی‌غرض	
۱۶	بی‌نهم	/be:nam/	بی‌نم	به معنای شخم زدن زمین خشک

در جدول زیر واژه‌های مشتق از پیشوند «بی-» در زبان اویغوری را با توجه به احتمالات چهارگانه ذکر شده در بخش مقدمه گروه‌بندی می‌کنیم:

۱. قابل ذکر است که این پیشوند در زبان اویغوری به صورت /be/ تلفظ می‌شود.

جدول ۲: مقوله‌بندی معنایی- ساختاری واژه‌های مشتق از پیشوند «بی-» در زبان اویغوری

شماره	مقوله	واژه
۱	واژه مشترک در دو زبان (معنی یکسان)	بی‌طه‌رپ، بی‌خه‌طر، بی‌خه‌وهر، بی‌مانهن، بی‌هورمهت، بی‌ناماز، بی‌زار، بی‌سهرمجان، بی‌غه‌رهز
۲	صورت واژه مشترک در دو زبان با معنی متفاوت	بی‌پایان، بی‌کار، بی‌گومان، بی‌خود، بیدانه
۳	پایه فارسی است اما واژه مشتق در فارسی موجود نیست	بی‌آرام، بی‌نم
۴	پایه اویغوری و واژه مشتق ناموجود در زبان فارسی	-

همان‌طوری که در جدول مشخص شده است در زبان اویغوری، از میان ۱۶ واژه مشتق از پیشوند فارسی «بی-»، ۹ مورد واژه‌هایی هستند که با همین معنی در زبان فارسی نیز وجود دارند و به احتمال زیاد تحت عملکرد وام‌گیری واژگانی وارد زبان اویغوری شده‌اند. واژه‌های «بی‌پایان»، «بی‌کار»، «بی‌گومان»، «بی‌خود» و «بیدانه» نیز اگر چه دارای پایه‌های فارسی هستند و در زبان فارسی هم وجود دارند اما معنی آنها در زبان فارسی کاملاً متفاوت است. همان‌طوری که پیشتر ذکر شد، این وضعیت می‌تواند حاکی از تولید جداگانه دو واژه در دو زبان مختلف باشد اما کماکان این احتمال نیز مطرح است که واژه از زبان فارسی به زبان اویغوری منتقل شده و بعداً در آنجا تحت تغییرات معنایی قرار گرفت است. لذا صرفاً بر اساس این موارد نمی‌توان ادعا کرد که «بی-» وام‌گیری صرفی شده است. آنچه می‌تواند شاهدهی بر ادعای وام‌گیری صرفی وند مورد بررسی باشد وجود واژه‌های «بی‌آرام» و «بی‌نم» است. در این نمونه‌ها اگر چه پایه‌ها فارسی هستند اما این واژه‌ها جزو فهرست واژگان زبان فارسی نیستند. وجود چنین واژه‌هایی نشان از آن دارد که زبان اویغوری پیشوند «بی-» را در سطح قاعده وام گرفته است و به اصطلاح در این مورد وام‌گیری صرفی رخ داده است.

۴-۱-۲- واژه‌های مشتق از پیشوند «نا-»

در میان داده‌های استخراج شده، تعداد ۱۵ مورد واژه مشتق از پیشوند «نا-» وجود دارد.

جدول ۳: واژه‌های مشتق از پیشوند «نا-» در زبان اویغوری

شماره	واژه اویغوری	آوانویسی	معنی	توضیحات
۱	ناعه‌لاج	/nāʔalādz/	لاعلاج	به معنای بدون چاره و راهکار
۲	نالایق	/nālājig/	نالایق	
۳	نامه‌لوم	/nāmaʔlum/	نامعلوم	
۴	نامواییق	/nāmuvāpig/	ناموفق	
۵	ناحہ قیقہت	/nāhagigat/	غیر حقیقت / دروغ	

۶	نارازی	/nārāzi/	ناراضی
۷	ناینسپ	/nāʔinsāp/	بی وجدان یا نامهربان
۸	ناباب	/nābāb/	نامناسب
۹	ناپاک	/nāpāk/	غیر تمیز/کثیف
۱۰	ناخوش	/nāxoʃ/	غمگین
۱۱	ناچار	/nātjār/	حقیر
۱۲	ناشایان	/nāʃjān/	از مد افتاده/ ناخوشایند/ نامناسب
۱۳	ناکار	/nākār/	معلول
۱۴	ناکس	/nākas/	حقیر و پست
۱۵	نامرد	/nāmard/	نامرد

گروه‌بندی این واژه‌ها در جدول زیر به‌دست داده شده است:

جدول ۴: مقوله‌بندی معنایی-ساختاری واژه‌های مشتق از پیشوند «نا-» در زبان اویغوری

شماره	مقوله	واژه
۱	واژه مشترک در دو زبان (معنی یکسان)	نامه‌لوم، نارازی، ناکس، نامرد، ناباب، نالایق
۲	صورت واژه مشترک در دو زبان با معنی متفاوت	ناپاک، ناچار، ناکار، نامواییق، ناخوش
۳	پایه فارسی است اما واژه مشتق در فارسی موجود نیست	ناعه‌لاج، ناحه‌قیقه‌ت، ناینسپ، ناشایان
۴	پایه اویغوری و واژه مشتق ناموجود در زبان فارسی	-

از میان ۱۵ واژه مورد بررسی ۲ واژه «ناباب» و «نالایق» جزو واژگان تثبیت‌شده فارسی می‌باشند. در کنار آنها، واژه‌های «نامه‌لوم»، «نارازی»، «ناکس» و «نامه‌رد» نیز با وجود تغییر روش نوشتاری آنها در خط اویغوری، واژه‌های مشترک با معانی یکسان در هر دو زبان فارسی و اویغوری محسوب می‌شوند. واژه‌های «ناپاک»، «ناچار»، «ناکار»، «نامواییق» و «ناخوش» در هر دو زبان فارسی و اویغوری کاربرد دارند اما تفاوت اینجاست که در دو زبان در معانی مختلفی استفاده می‌شوند. در ۴ واژه «ناعه‌لاج»، «ناحه‌قیقه‌ت»، «ناینسپ» و «ناشایان» نیز با وجود این‌که پایه‌ها فارسی هستند اما این واژه‌ها جزو فهرست واژگان زبان فارسی نیستند. بنابراین به‌نظر می‌رسد زبان اویغوری پیشوند «نا-» را در سطح قاعده و ام گرفته است و به اصطلاح وام‌گیری صرفی رخ داده است.

۴-۱-۳- گروه واژه‌های مشتق از «ههم-»

در میان داده‌های استخراج شده، تعداد ۱۴ مورد واژه آغاز شده با «ههم-» وجود دارد.

جدول ۵: واژه‌های مشتق از پیشوند «همه م-» در زبان اویغوری

شماره	واژه اویغوری	آوانویسی	معنی	توضیحات
۱	همه جهت	/hamdʒahat/	همکار	
۲	همه سه‌پر	/hamsapar/	هم سفر	
۳	همه سوجهت	/hamsöhbat/	هم صحبت	
۴	همه قدهم	/hamgadam/	هم قدم، همراه	
۵	همه که‌سپ	/hamkasp/	افرادی که کسب و پیشه شان یکی است	
۶	همه نه‌پس	/hamnapas/	هم نفس	
۷	همه دهرد	/hamdard/	یاور و حامی	
۸	همه دم	/hamdam/	همدم	
۹	همه شه‌هر	/hamfähr/	همشهری	
۱۰	همه کار	/hamkār/	همکار	
۱۱	همه شیره	/hamfira/	خواهر، پرستار	
۱۲	همه گام	/hamgām/	همراه	
۱۳	همه تاوان	/hamtāvān/	هم توان	
۱۴	همه سال	/hamsāl/	هم سن	

در جدول زیر گروه‌بندی چهارگانه این واژه‌ها ارائه شده است:

جدول ۶: مقوله‌بندی معنایی - ساختاری واژه‌های مشتق از پیشوند «همه م-» در زبان اویغوری

شماره	مقوله	واژه
۱	واژه مشترک در دو زبان (معنی یکسان)	همه سه‌پر، همه سوجهت، همه قدهم، همه نه‌پس، همه دم، همه شه‌هر، همه کار، همه شیره، همه گام، همه تاوان، همه سال
۲	صورت واژه مشترک در دو زبان با معنی متفاوت	همه جهت، همه دهرد
۳	پایه فارسی است اما واژه مشتق در فارسی موجود نیست	همه که‌سپ
۴	پایه اویغوری و واژه مشتق ناموجود در زبان فارسی	-

از میان ۱۴ واژه استخراج شده تنها ۲ واژه «همه جهت» و «همه ده رد» هستند که با معانی متفاوت از زبان مبدأ مورد استفاده قرار می‌گیرند. در واژه «همه م که سپ» با آن که پایه فارسی است اما این واژه در فارسی ساخته نشده است. با این توصیف با حضور واژه‌های پیش گفته مشتق از پیشوند «همه م-» در مورد این وند نیز می‌توان نشانه‌هایی - البته نه چندان قوی - از وام‌گیری صرفی مشاهده نمود.

۴-۲- پسوندهای اشتقاقی

پسوندهای اشتقاقی مورد بررسی در پژوهش حاضر عبارتند از «-گر»، «-بان»، «-مند»، «-دان»، «-ستان»، «-زار» و «-انه». در ادامه به گروه بندی واژه‌های مشتق از این پسوندها می‌پردازیم.

۴-۲-۱- گروه واژه‌های مشتق از «-گه ر» (-گر)

در میان داده‌های استخراج شده، تعداد ۱۳ مورد واژه مختوم به «گه ر-» وجود دارد.

جدول ۷: واژه‌های مشتق از پسوند «گه ر-» در زبان اویغوری

شماره	واژه اویغوری	آوانویسی	معنی	توضیحات
۱	دهواگه‌ر	/davāgar/	شاکی	
۲	سپهر گه‌ر	/sihrgar/	جادوگر، سحرگر	
۳	کیمیا گه‌ر	/kimijāgar/	کیمیاگر	
۴	هوپی گه‌ر	/hupigar/	صاحب دکه، دستفروش	
۵	ایقواگه‌ر	/iɣvāgar/	اغواگر	
۶	جادوگه‌ر	/dʒādugar/	جادوگر	
۷	دوری گه‌ر	/durigar/	داروساز	
۸	زهر گه‌ر	/zargar/	زرگر	
۹	سودی گه‌ر	/sudigar/	تاجر، سوداگر	
۱۰	تہمه‌گه‌ر	/tamaʔgar/	طمع‌گر (طماع و حریص)	
۱۱	جیلویگه‌ر	/dʒilvagar/	زیبا	
۱۲	شیپاگه‌ر	/ʃipāgar/	شفاگر، شفا دهنده	
۱۳	زومی گه‌ر	/zumigar/	نجیب زاده و سرمایه دار	

در جدول زیر گروه‌بندی چهارگانه این واژه‌ها ارائه شده است:

جدول ۸: مقوله‌بندی معنایی - ساختاری واژه‌های مشتق از پسوند «گه ر-» در زبان اویغوری

شماره	مقوله	واژه
۱	واژه مشترک در دو زبان (معنی یکسان)	سپهرگه‌ر، کیمیاگه‌ر، ایقواگه‌ر، جادوگه‌ر، دوری گه‌ر، زهر گه‌ر، سودی گه‌ر، شیپاگه‌ر
۲	صورت واژه مشترک در دو زبان با معنی متفاوت	جیلویگه‌ر
۳	پایه فارسی است اما واژه مشتق در فارسی موجود نیست	دهواگه‌راگر، تہمه‌گه‌ر
۴	پایه اویغوری و واژه مشتق ناموجود در زبان فارسی	هوپی گه‌ر، زومی گه‌ر

همان‌گونه که در جدول فوق مشخص شده است از میان ۱۳ واژه استخراج شده، ۸ واژه با وجود تفاوت‌های اندک در شیوه نگارش با معانی یکسان در دو زبان فارسی و اویغوری مورد استفاده قرار می‌گیرند. واژه «جیلویگر» اگر چه در دو زبان وجود دارد اما در دو معنی متفاوت اما مرتبط به کار می‌رود. این مورد احتمالاً ناشی از دو مسیر مختلف واژگانی‌شدگی در دو زبان است. با این توصیف، این واژه نمی‌تواند شاهدهی بر وام‌گیری صرفی در نظر گرفته شود. اما دو واژه «ده وا گه ر» و «ته مه گه ر» جزو مواردی هستند که اگر چه پایه‌های فارسی دارند اما جزو واژگان تثبیت شده این زبان نیستند. در نهایت در دو واژه «هوپی گه ر» و «زومی گه ر» پایه اویغوری با پسوند «-گر» ترکیب شده و واژه‌هایی تشکیل داده که در فارسی به چشم نمی‌خورد. وجود مواردی چون «ده وا گه ر» و «ته مه گه ر» و به خصوص «هوپی گه ر» و «زومی گه ر» شاهدهی قوی بر وام‌گیری صرفی این پسوند است.

۴-۲-۲- گروه واژه‌های مشتق از «-بان/-وان»

در میان داده‌های استخراج شده، تعداد ۵ مورد واژه مختوم به «-بان/-وان» وجود دارد.

جدول ۹: واژه‌های مشتق از پسوند «-بان/-وان» در زبان اویغوری

شماره	واژه اویغوری	آوانویسی	معنی	توضیحات
۱	باغیوان	/bāxivān/	باغیان	
۲	ده‌روازیوان	/darvāzivān/	نگهبان دروازه	
۳	سه‌رایوان	/sarājvān/	صاحب سراه، صاحب مسافرخانه	
۴	هونه‌روان	/hūnarvān/	هنرمند	
۵	ساروان	/sārvān/	ساربان	

گروه‌بندی این واژه‌ها در جدول زیر به دست داده شده است:

جدول ۱۰: مقوله‌بندی معنایی - ساختاری واژه‌های مشتق از پسوند «-بان/-وان» در زبان اویغوری

شماره	مقوله	واژه
۱	واژه مشترک در دو زبان (معنی یکسان)	باغیوان، ساروان، ده‌روازیوان
۲	صورت واژه مشترک در دو زبان با معنی متفاوت	سه‌رایوان
۳	پایه فارسی است اما واژه مشتق در فارسی موجود نیست	هونه‌روان
۴	پایه اویغوری و واژه مشتق ناموجود در زبان فارسی	-

با توجه به این که واژه‌های «باغیوان»، «ده‌روازیوان»، و «ساروان» در معنای مشابه در زبان فارسی نیز وجود دارند، می‌توان مدعی شد که این موارد حاصل وام‌گیری واژگانی هستند. تفاوت معنایی واژه «سه‌رایوان»

وان» با واژه «سرای‌بان»^۱ فارسی نیز می‌تواند ناشی از دو مسیر واژگانی‌شدگی متفاوت باشد. تنها واژه‌ای که احتمال وام‌گیری صرفی را تقویت می‌کند واژه «هونه روان» است که اگر چه پایه فارسی دارد اما جزو واژگان زبان فارسی نیست.

۴-۲-۳- گروه واژه‌های مشتق از «-دان»

در میان داده‌های استخراج شده، تعداد ۲۰ مورد واژه مختوم به «-دان» وجود دارد.

جدول ۱۱: واژه‌های مشتق از پسوند «-دان» در زبان اویغوری

شماره	واژه اویغوری	آوانویسی	معنی	توضیحات
۱	قه‌له‌مدان	/galamdān/	قلمدان	
۲	کاوابدان	/kavābdān/	منقل	
۳	هاوادان	/hāvādān/	هواکش یا نورگیر	
۴	هه‌سه‌لدان	/hasaldān/	ظرف غسل	
۵	ئاته‌ش‌دان	/ātaʃdān/	آتش‌دان	
۶	پولدان	/puldān/	کیسه مخصوص پول، همیان	
۷	توخومدان	/toxumdān/	تخمدان (عضو بدن زنانه)	
۸	سیاه‌دان	/sijāhdān/	ظرف جوهر سیاه	
۹	گه‌نت‌دان	/gatdān/	قندان	
۱۰	گولدان	/güldān/	گلدان	
۱۱	سوپوندان	/supundān/	جا صابونی	
۱۲	شامدان	/ʃāmdān/	شمعدان	
۱۳	چاپدان	/tʃājdān/	ظرف چایی دم کشیده شده، فلاسک	
۱۴	توکوروگ‌دان	/tügürüg dān/	تف دان، ظرف مخصوص تف در مکان‌های عمومی	
۱۵	سودان	/sudān/	ظرف آب	
۱۶	کولدان	/küldān/	زیرسیگاری	
۱۷	یاغدان	/jākdān/	ظرف روغن	
۱۸	دهم‌دان	/damdān/	دم دان، لوله دمنده هوا در کوره	
۱۹	سرکیدان	/sirkadān/	سرکه‌دان	
۲۰	شیردان	/ʃirdān/	عضوی از بدن حیوانات	

گروه‌بندی واژه‌های مشتق از این پسوند در جدول زیر ارائه شده است:

۱. یک واژه قدیمی به معنی سرای‌دار به نقل از فرهنگ بزرگ (۸ جلدی) سخن

جدول ۱۲: مقوله‌بندی معنایی-ساختاری واژه‌های مشتق از پسوند «-دان» در زبان اویغوری

شماره	مقوله	واژه
۱	واژه مشترک در دو زبان (معنی یکسان)	قه‌لمدان، آت‌ش‌دان، گه‌نت‌دان، گولدان، شامدان، شیردان، دهم‌دان، توخومدان
۲	صورت واژه مشترک در دو زبان با معنی متفاوت	چایدان
۳	پایه فارسی است اما واژه مشتق در فارسی موجود نیست	کاوایدان، هه‌سه‌لدان، سیاه‌دان، سوپوندان، سرکیدان، هاوایدان، پولدان
۴	پایه اویغوری و واژه مشتق ناموجود در زبان فارسی	توکوروگ‌دان، سودان، کولدان، یاغدان

۸ واژه گروه یک مواردی هستند که در همین معنی در زبان فارسی نیز وجود دارند و لذا می‌توان پذیرفت تحت عملکرد وام‌گیری واژگانی وارد زبان اویغوری شده‌اند. واژه «چایدان» نیز در معنایی متفاوت و مرتبط به کار رفته است. با این حال نمونه‌های «کاوایدان»، «هاوایدان»، «پولدان»، «سیاه‌دان»، «سوپوندان»، «سه‌ده‌پدان»، «چایدان»، «هه‌سه‌لدان» و «سرکیدان» نشانگر این وضعیت هستند که با وام‌گیری صرفی به جای واژگان منفرد، ابزار لازم برای واژه‌سازی مستقل در اختیار گویشوران اویغوری قرار گرفته است. وجود نمونه‌های «توکوروگ‌دان»، «سو‌دان»، «کولدان»، «یاغدان» نیز که در آنها پسوند «-دان» به پایه‌های غیرفارسی افزوده شده به روشنی تأیید‌کننده وام‌گیری صرفی است.

۴-۲-۴- گروه واژه‌های مشتق از «-ستان»

در میان داده‌های استخراج شده، تعداد ۷ مورد واژه مختوم به «-ستان» وجود دارد.

جدول ۱۳: واژه‌های مشتق از پسوند «-ستان» در زبان اویغوری

شماره	واژه اویغوری	آوانویسی	معنی	توضیحات
۱	قه‌بریستان	/gabristān/	قبرستان	
۲	هوریستان	/hürriṣtān/	حرستان (به معنای سرزمین آزاد)	
۳	شه‌بیستان	/fabistān/	شبیستان	
۴	گوریستان	/guristān/	گورستان	
۵	گولیستان	/gülistān/	گلستان	
۶	جاریستان	/dǰāristān/	محل جار زدن	
۷	دیلیستان	/dilistān/	دلستان (جایگاه و قرارگاه دل‌های عاشقان و دلدادگان)	

گروه‌بندی واژه‌های مشتق از این پسوند در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۱۴: مقوله‌بندی معنایی-ساختاری واژه‌های مشتق از پسوند «-ستان» در زبان اویغوری

شماره	مقوله	واژه
۱	واژه مشترک در دو زبان (معنی یکسان)	قه‌بریستان، شه‌بیستان، گوریستان، گولیستان، دیلیستان
۲	صورت واژه مشترک در دو زبان با معنی متفاوت	-
۳	پایه فارسی است اما واژه مشتق در فارسی موجود نیست	هوریستان، جارستان
۴	پایه اویغوری و واژه مشتق ناموجود در زبان فارسی	-

از میان این واژه‌ها موارد «قه‌بریستان»، «شه‌بیستان»، «گوریستان»، «گولیستان» و «دیلیستان» واژه‌هایی هستند که در همین معنی در زبان فارسی نیز وجود دارند و لذا ایده وام‌گیری واژگانی در مورد آنها پذیرفتنی است. با این حال وجود «هوریستان» و «جارستان» نشان از وام‌گیری صرفی است و اگر چه پایه یک واژه بومی نیست اما چنین واژه‌ای در زبان مبدأ وجود ندارد و احتمالاً در زبان مقصد ساخته شده است. این موارد نشان از آن دارند که در مورد سازه «-ستان» نیز وام‌گیری صرفی رخ داده است و صرفاً با وام‌گیری واژگانی روبه‌رو نیستیم.

۴-۲-۵- گروه واژه‌های مشتق از «-زار»

در میان داده‌های استخراج شده، تعداد ۹ مورد واژه مختوم به «-زار» وجود دارد.

جدول ۱۵: واژه‌های مشتق از پسوند «-زار» در زبان اویغوری

شماره	واژه اویغوری	آوانویسی	معنی	توضیحات
۱	چمه‌نزار	/tʃamanzār/	چمنزار	
۲	گولزار	/gülnzār/	گلزار	
۳	مرغزار	/marɣzār/	مرغزار	
۴	میوه‌زار	/mivazār/	باغ میوه	
۵	خرمیزار	/xarmizār/	نخلستان	
۶	چایزار	/tʃājzār/	مزرعه چای	
۷	دهره‌خزار	/daraxzār/	درختزار	
۸	سیمنزار	/simanzār/	یاسمن‌زار	جایی که در آن گل‌های یاسمین بسیار روئیده باشد
۹	لالیزار	/lalizār/	لاله‌زار	گلزار

گروه‌بندی این واژه‌ها در جدول زیر به دست داده شده است:

جدول ۱۶: مقوله‌بندی معنایی-ساختاری واژه‌های مشتق از پسوند «-زار» در زبان اویغوری

شماره	مقوله	واژه
۱	واژه مشترک در دو زبان (معنی یکسان)	چهمه‌نزار، گولزار، مرغزار، دهره‌خزار، سیمنزار، لیلی‌زار
۲	صورت واژه مشترک در دو زبان با معنی متفاوت	-
۳	پایه فارسی است اما واژه مشتق در فارسی موجود نیست	میوه‌زار، خرمیزار، چایزار
۴	پایه اویغوری و واژه مشتق ناموجود در زبان فارسی	-

واژه‌های «چه مه نزار»، «گولزار»، «مرغزار»، «دهره‌خزار»، «سیمنزار» و «لیلی‌زار» در همین معنی در زبان فارسی نیز وجود دارند و به نظر می‌رسد تحت عملکرد وام‌گیری واژگانی وارد زبان اویغوری شده‌اند. وجود ۳ واژه «میوه‌زار»، «خرمیزار» و «چایزار» که جزو واژگان زبان فارسی نیستند می‌تواند تأییدکننده وام‌گیری صرفی پسوند «-زار» باشد.

۴-۲-۶- گروه واژه‌های مشتق از «-انه»

در میان داده‌های استخراج شده، تعداد ۱۵ مورد واژه مختوم به «-انه» وجود دارد.

جدول ۱۷: واژه‌های مشتق از پسوند «-انه» در زبان اویغوری

شماره	واژه اویغوری	آوانویسی	معنی	توضیحات
۱	عادیلانه	/ādīlāna/	عادلانه	
۲	اخمخانه	/āxmaxāna/	احمقانه	
۳	عه‌یزانه	/azizāna/	عزیزانه	
۴	جاهیلانه	/džāhilāna/	جاهلانه	
۵	سوپیانه	/supijāna/	مخفیانه	در اصل «صوفیانه» است که به سبب فضای حاکم فعالیت مخفیانه داشته‌اند.
۶	قیسرانه	/geisarāna/	شجاعانه	در اصل «قیصرانه» است.
۷	دوستانه	/dustāna/	دوستانه	
۸	شادیانه	/fādijāna/	شادیانه	
۹	شاهانه	/fāhāna/	شاهانه	
۱۰	که‌مته‌رانه	/kamtarāna/	متواضعانه	
۱۱	ریبیکارانه	/ribakārāna/	ریاکارانه	
۱۲	زه‌نانه	/zanāna/	زنانه	
۱۳	مه‌ستانه	/mastāna/	مستانه	
۱۴	نه‌قدانه	/naqdāna/	موجودی	
۱۵	قه‌هریمانانه	/gahrāna/	قهرمانانه	

گروه‌بندی این واژه‌ها در جدول زیر به‌دست داده شده است:

جدول ۱۸: مقوله‌بندی معنایی-ساختاری واژه‌های مشتق از پسوند «-انه» در زبان اویغوری

شماره	مقوله	واژه
۱	واژه مشترک در دو زبان (معنی یکسان)	عادیلانه، اخمیخانه، جاهیلانه، دوستانه، شادیانه، شاهانه، ریباکارانه، زه‌نانه، مه‌ستانه، قه‌هریمانانه
۲	صورت واژه مشترک در دو زبان با معنی متفاوت	سوپیانه
۳	پایه فارسی است اما واژه مشتق در فارسی موجود نیست	قیسرانه، نه‌قدانه، عه‌زیزانه، که‌مته‌رانه
۴	پایه اویغوری و واژه مشتق ناموجود در زبان فارسی	-

از میان این واژه‌ها موارد «عادیلانه»، «جاهیلانه»، «دوستانه»، «شاهانه»، «ریباکارانه»، «زه‌نانه»، «مه‌ستانه»، «قه‌هریمانانه»، «اخمیخانه» و «شادیانه» واژه‌هایی هستند که در همین معنی در زبان مبدأ نیز وجود دارند و تحت عملکرد وام‌گیری واژگانی وارد زبان مقصد شده‌اند. واژه «سوپیانه» را نیز می‌توان حاصل وام‌گیری واژگانی دانست که در زبان مقصد در معنایی مرتبط اما متفاوت رواج یافته است. اما در نمونه‌های «عه‌زیزانه»، «قیسرانه»، «که‌مته‌رانه» و «نه‌قدانه» اگر چه پایه یک واژه بومی نیست اما چنین واژه‌هایی در زبان فارسی وجود ندارند و به احتمال فراوان در زبان مقصد ساخته شده‌اند. با وجود مواردی از این دست می‌توان ادعا نمود که در مورد پسوند «-انه» نیز وام‌گیری صرفی روی داده است.

۴-۲-۷- گروه واژه‌های مشتق از «-مه‌ن(مند)»

در میان داده‌های استخراج شده، تعداد ۱۳ مورد واژه مختوم به «-مه‌ن» وجود دارد.

جدول ۱۹: واژه‌های مشتق از پسوند «-مه‌ن» در زبان اویغوری

شماره	واژه اویغوری	آوانویسی	معنی	توضیحات
۱	خیجاله‌تمه‌ن	/xidʒālatman/	خجالت‌مند	
۲	دوله‌تمه‌ن	/dōlatman/	ثروت‌مند	
۳	رازی‌مه‌ن	/rāziman/	راضی	
۴	سهاده‌تمه‌ن	/sādatman/	سعادت‌مند	
۵	سوله‌تمه‌ن	/solatman/	خوش‌نما و خوش‌لباس	
۶	هاجه‌تمه‌ن	/hādʒatman/	حاجت‌مند	
۷	هه‌وه‌سمه‌ن	/havasman/	علاقه‌مند	
۸	ئاره‌زومن	/ārzuman/	آرزومند	

۹	دانشمند	/dāniʃman/	دانشمهن
۱۰	دردمند	/dardman/	ده‌ردمه‌ن
۱۱	بهره‌مند	/bahriman/	به‌هریمهن
۱۲	راضی و سرخوش	/biʔārman/	بی‌عارمه‌ن
۱۳	شادمان	/ʃādīman/	شادیمهن

گروه‌بندی این واژه‌ها در جدول زیر به‌دست داده شده است:

جدول ۲۰: مقوله‌بندی معنایی - ساختاری واژه‌های مشتق از پسوند «-مه‌ن» در زبان اویغوری

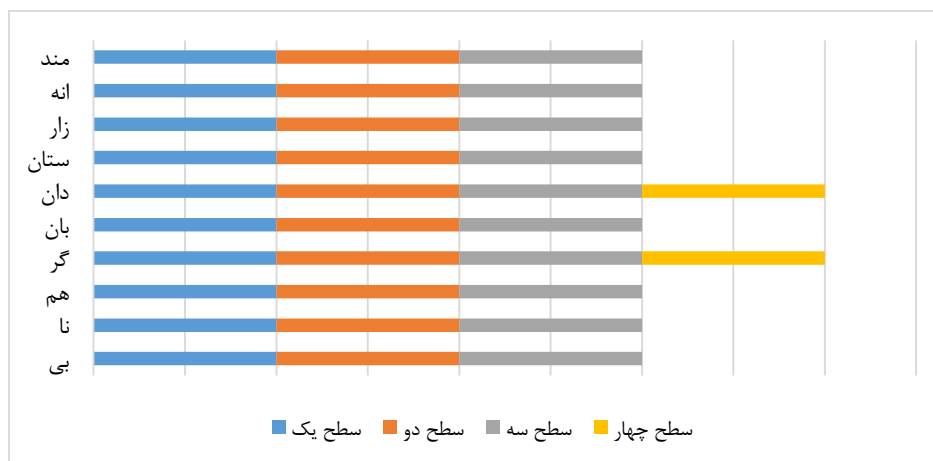
شماره	مقوله	واژه
۱	واژه مشترک در دو زبان (معنی یکسان)	خیج‌اله‌تمهن، دوله‌تمهن، سه‌اده‌تمهن، هاجه‌ت‌مه‌ن، اره‌زومن، دانشمهن، ده‌ردمه‌ن، به‌هریمهن
۲	صورت واژه مشترک در دو زبان با معنی متفاوت	-
۳	پایه فارسی است اما واژه مشتق در فارسی موجود نیست	رازی‌مه‌ن، سوله‌ت‌مه‌ن، هه‌وه‌سمهن، بی‌عارمه‌ن، شادیمهن
۴	پایه اویغوری و واژه مشتق ناموجود در زبان فارسی	-

از میان این واژه‌ها، ۸ واژه «خیج‌اله‌تمهن»، «دوله‌تمه‌ن»، «سه‌اده‌تمه‌ن»، «هاجه‌ت‌مه‌ن»، «اره‌زومن»، «دانشمهن»، «ده‌ردمه‌ن» و «به‌هریمه‌ن» با وجود تغییر نوشتار در زبان مقصد با همین معنی در زبان مبدأ وجود دارند و این نشان دهنده آن است که تحت عملکرد وام‌گیری واژگانی وارد زبان مقصد شده‌اند. با اینحال نمونه‌های «سوله‌ت‌مه‌ن»، «رازی‌مه‌ن»، «هه‌وه‌سمهن»، «بی‌عارمه‌ن» و «شادیمهن» به علت این که واژه به‌وجود آمده در زبان مبدأ وجود ندارد و پایه یک واژه بومی نیست و احتمالاً در زبان مقصد ساخته شده است نشان از آن دارند که در مورد پسوند «-مه‌ن» نیز صرفاً با وام‌گیری واژگانی روبه‌رو نیستیم بلکه وام‌گیری صرفی رخ داده است.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

جامعه اویغور زبان به سبب همجواری با ایران قدیم، در طول تاریخ همواره از جنبه‌های مختلف دینی، فرهنگی، تجاری و ادبی تحت تأثیر تمدن ایرانی قرار داشته است. نتیجه طبیعی این وضعیت وام‌گیری گسترده از زبان فارسی بوده است. پژوهش‌های محدودی که در این زمینه صورت گرفته به توصیف و بررسی واژه‌های فارسی در اویغوری پرداخته‌اند اما در هیچ یک از این آثار به احتمال وام‌گیری صرفی اشاره‌ای نشده است. اگر چه وام‌گیری واژه از زبانی به زبان دیگر در دسترس‌ترین نوع وام‌گیری است اما وام‌گیری صرفی پدیده نادری است و تنها زمانی می‌توان انتظار آن را داشت که قبلاً وام‌گیری واژگانی به‌صورت گسترده‌ای رخ داده باشد.

در پژوهش حاضر، به تبعیت از گاردانی (۲۰۱۸)، معیار تشخیص وام‌گیری صرفی در پژوهش حاضر را نهادینه شدن (integration) وند فارسی در نظام صرفی زبان اویغوری در نظر گرفتیم. برای تعیین میزان نهادینه‌شدگی وندهای فارسی در نظام اشتقاقی زبان اویغوری، وام‌واژه‌های مشتق از وندهای مورد بررسی در چهار دسته مختلف بر اساس نوع معنی و تبار پایه‌هایشان دسته‌بندی شدند. این دسته‌بندی نشان‌دهنده میزان رخداد وام‌گیری صرفی است به طوری که هر چه یک وند به سطح چهارم نزدیک‌تر شود احتمال رخ دادن وام‌گیری صرفی در مورد آن وند بیشتر است. در تمامی وندهای بررسی شده شاهد واژه‌هایی متعلق به گروه اول بودیم. واژه‌های متعلق به گروه دوم تنها در سه مورد «-ستان»، «-زار»، و «-انه» حضور داشتند اما این امر فاقد اهمیت نظری در تحلیل حاضر است چرا که در هر حال دو گروه اول و دوم نمی‌توانند تأییدی بر وام‌گیری صرفی باشند. اما وضعیت در گروه‌های سوم و چهارم متفاوت بود. در گروه سوم شاهد واژه‌هایی بودیم که اگر چه پایه‌هایشان جزو واژگان زبان فارسی هستند اما خود این واژه‌ها در زبان فارسی وجود ندارند. این وضعیت نشان از آن دارد که نظام صرفی زبان اویغوری با نهادینه‌سازی آن وند خاص، خود دست به واژه‌سازی زده است. با این توضیح، در مورد وندهایی که دارای واژه‌های متعلق به گروه سوم باشند می‌توان مدعی وام‌گیری صرفی شد. تمامی وندهای مورد بررسی به این سطح از وام‌پذیری رسیده‌اند. در نهایت در گروه چهارم شاهد واژه‌هایی بودیم که پایه آنها از زبان اویغوری است. واژه‌های این گروه قوی‌ترین شاهد در تأیید وام‌گیری صرفی است. از میان وندهای بررسی شده دو وند «-گر» و «-دان» از چنین وضعیتی برخوردارند. نمودار زیر نشان دهنده وضعیت هر کدام از وندهای مورد بررسی در سطوح چهارگانه است:



نمودار ۱: سطح وام‌گیری وندهای اشتقاقی فارسی در اویغوری

با توجه به نمودار فوق مشاهده می‌شود که وام‌گیری صرفی از نوع اشتقاقی از زبان فارسی در اویغوری بسیار رایج است، به طوری که از ده وند مورد بررسی همه در تولید واژه‌هایی با پایه‌های فارسی نقش دارند. در این

میان دو پسوند «-گر» و «-دان» با افزوده شدن به پایه‌های اویغوری قوی‌ترین شواهد را به‌دست می‌دهند. نکته قابل ذکر آن‌که در سه مورد «-ستان»، «-زار» و «-انه» اگر چه در داده‌های استخراج شده شاهد واژه‌هایی متعلق به گروه دوم نیستیم اما به سبب وجود واژه‌هایی از گروه سوم، این امر پذیرفتنی می‌نماید که این وندها در سطح دوم نیز فعال باشند.

بررسی وام‌گیری صرفی علاوه بر این‌که جنبه‌های جدیدی از پدیده وام‌گیری را روشن می‌کند، به لحاظ نظری و به‌طور خاص در تدوین نظریه‌های صرفی نیز حائز اهمیت است. تحقیقات متأخر حاکی از آنند که میزان وام‌پذیری با زیربخش‌های نظریه‌های صرفی مرتبط است (گاردانی، ۲۰۱۸). به‌عنوان نمونه تصریف بافتی (contextual inflection) و تصریف ذاتی (inherent inflection) رفتارهای متفاوتی در میزان وام‌پذیری دارند. در حوزه اشتقاق نیز وندهای دارای محتوای معنایی - به‌طور خاص وندهای سازنده اسم شخص و اسم مکان - امکان قرض‌گیری بیشتری نسبت به وندهای انتقالی (transitional) دارند. در بررسی داده‌های مورد بررسی در زبان اویغوری شاهد چنین وضعیتی هستیم. تمامی وندهایی که وام‌گیری در آنها به مرحله وام‌گیری صرفی - سطوح سه و چهار در پژوهش حاضر - رسیده‌اند، جزو گروه وندهای دارای محتوای معنایی هستند. در این میان دو وند «-گر» و «-دان» به ترتیب به‌عنوان وندهای اسم شخص ساز و اسم مکان ساز در بالاترین سطح وام‌گیری صرفی قرار گرفته‌اند.

وام‌گیری صرفی اویغوری از فارسی حاکی از تسلط درازمدت زبان فارسی بر زبان اویغوری در گذشته می‌باشد. انجام پژوهش‌های مشابه در زبان‌های دیگری که تحت تأثیر زبان فارسی بوده‌اند می‌تواند به ارائه تصویر دقیق‌تری از وضعیت زبان فارسی در حوزه تحت نفوذش در گذشته کمک کند.

بررسی گسترده‌تر وام‌گیری صرفی اویغوری از فارسی می‌تواند علاوه بر کمک به توصیف الگوهای وام‌گیری و نظام صرفی اویغوری، به روشن‌تر شدن رفتار بخش‌های مختلف نظام صرفی فارسی در وام‌گیری و همچنین تدوین نظریه‌های صرفی بیانجامد. بدیهی است که ارایه دقیق‌تر از وام‌گیری صرفی اویغوری از فارسی در گروه بررسی سایر بخش‌های نظام صرفی فارسی در اویغوری است. نکته‌ای که در این میان حائز اهمیت است محدودیت دسترسی به داده‌های زبان اویغوری است. با دسترسی به پایگاه دادگان اویغوری - در صورت وجود - می‌توان توصیف و تحلیل دقیق‌تری از وام‌گیری در سطوح مختلف از زبان فارسی به‌دست داد. برای این کار لازم است دیگر وندهای اشتقاقی فارسی نیز مورد مطالعه قرار گیرند. همچنین وندهای تصریفی نیز به سبب ماهیت متفاوت‌شان با وندهای اشتقاقی و نیز رفتار متفاوت‌شان در شاخص‌های وام‌گیری نیازمند بررسی هستند. علاوه بر اینها دیگر فرایندهای واژه‌سازی به‌ویژه ترکیب و الگوهای صرفی به‌ویژه تکرار و انضمام نیز نیازمند پژوهش‌های جداگانه می‌باشند.

منابع

- اموتی، فریدن (۲۰۰۹). «وام واژه‌های فارسی در زبان اویغوری و تغییرات آوایی آن»، *ارومچی: مجله پژوهشی دانشگاه شین جیانگ، دوره اول: ۸۷-۱۰۲ (چینی)* 帕丽旦·阿木提 《论维吾尔语中的波斯语借词及其音变》新疆大学学报, 2009年 01期
- انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن، (۸ جلدی)*، تهران: سخن.
- بدیعی، نادره (۱۳۷۷). *فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان اویغوری چین*، تهران: نشر بلخ وابسته به بنیاد نیشابور.
- رحمان، عبدالرحیم (۲۰۰۲). «تأثیرات زبان فارسی بر واژگان اویغوری»، *ارومچی: مجله پژوهش‌های مناطق غربی، شماره ۹۲: ۱۲۸-۱۳۵ (چینی)* 阿不都热依木·热合曼 《波斯语对维吾尔语词汇的影响》 [J], 西域研究, 2002, 93)
- کریم، عبدالولی (۲۰۰۸). «نگاهی بر تاریخ روابط فرهنگی ایران و اویغور با تکیه بر آثار ترجمه شده»، *پکن: ترجمه نژادها، شماره ۶۸: ۷۱-۷۶ (چینی)* 阿布杜都外力·克热木 《从文学翻译看波斯与维吾尔族的文化交流》，民族翻译, 2008, 58, 71-76 页)
- گروه نویسندگان (۲۰۰۶). *فرهنگ لغت بزرگ اویغوری-چینی، پکن: انتشارات نژادها (چینی)* 维汉大词典, 民族出版社, 新疆维吾尔自治区语言文字工作委员会 编, 2006
- Bauer, L. (2004). The function of word-formation and the inflection-derivation distinction. In H. Aertsen, M. Hannay, & R. Lyall (Eds.), *Words in their places: A festschrift for J. Lachlan Mackenzie* (pp. 283-292). Amsterdam: Vrije Universiteit.
- Gardani, F. (2018). "On morphological borrowing". *Language and Linguistics Compass*, 12(10): 1-17.